

شفافیت و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در امور پژوهش

سید رضا موسوی فرد^۱

چکیده

یکی از حقوق بنیادین بشری که در حقوق ملی و هم بین‌المللی معتبر شناخته شده است، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات است که شفافیت به عنوان یکی از ابعاد آن شناخته می‌شود. حق دسترسی به اطلاعات از ابعاد مختلف قابل بررسی است اما بررسی آن در امور پژوهش مورد غفلت واقع شده است و قانون ویژه‌ای در خصوص آن مطرح نشده است. هدف این پژوهش بررسی شفافیت و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در امور پژوهش است. پژوهش از نظر هدف نظری و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و ابزار موردنیاز فیش‌برداری است. نتایج نشان داد که عدم همکاری سازمان‌ها و امتناع از اطلاعات سازمانی به پژوهشگران می‌تواند ناشی از عدم شفافیت اطلاعات و اسناد سازمانی باشد و همچنین حق دسترسی آزادانه به اطلاعات را نقض می‌نماید. در همین راستا پیشنهاد می‌گردد قانون مجزا و ویژه‌ای در راستای حمایت از پژوهشگران تدوین و مصوب گردد و سازمان بازرسی در هر استان یا شهری به عملکرد سازمان‌های و همکاری با پژوهشگران نظارت داشته باشد.

کلمات کلیدی: شفافیت، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات، اسناد دولتی، پژوهش

۱. پژوهشگر و کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی- کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، S.R.Mousavifard2020@Gmail.Com

مقدمه

دنیای متغیر امروز ایجاب می‌کند سازمان‌ها برای بقا به دنبال ابزاری نوین باشند. یکی از ابزارهایی که سازمان‌ها را در تأمین اهداف یاری می‌کند، شفافیت سازمانی است (فیض‌آبادی و علانی، ۱۳۹۷، ص ۴۷). شفافیت سازمانی که متضاد اختفا و پنهان‌کاری در سازمان است، یکی از موضوعات اخلاقی هزاره سوم محسوب می‌شود و وجود مطالعات بسیار در زمینه شفافیت سازمانی حاکی از توجه روزافزون به این مفهوم سازمانی است (واکارو^۱، ۲۰۱۰، ص ۴۸۸). شفافیت سازمانی می‌تواند در محیط پرتلاطم امروزی در بهبود و توسعه امور سازمان‌ها نقش مؤثری داشته باشد و سازمان‌ها را در رسیدن به مزیت رقابتی پایدار و حفظ آن یاری نماید (حسنی و شمس، ۱۳۹۱، ص ۸۳). شفافیت به معنای عمداً آشکار کردن اقدامات است (بهن^۲ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۷). وجود مطالعات بسیار در زمینه شفافیت سازمانی حاکی از توجه روزافزون به این مفهوم است (واکارو، ۲۰۱۰، ص ۴۸۹). اهمیت شفافیت سازمانی تا آنجاست که برخی نویسندگان، شفافیت را مفیدتر از قوانین شدید و سخت‌گیرانه معرفی می‌کنند (نیلسن و مدسن^۳، ۲۰۰۹، ص ۸۵). شفافیت اصطلاح گسترده‌ای است که بر دسترسی آزادی به اطلاعات، تصمیم‌گیری و آزادی اطلاعات دلالت دارد (آگوستین^۴، ۲۰۱۲، ص ۶۶۱). در چند دهه اخیر «آزادی اطلاعات» و «حق دسترسی آزاد به اطلاعات» به دلیل فواید و آثار مثبتی که شناسایی و اجرای این آزادی در برخی از کشورهای جهان داشته، توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است. رشد و توسعه روزافزون وسایل نوین ارتباطی همچون اینترنت به ویژه شبکه‌های اجتماعی، منجر به فراگیر شدن این موضوع در سطح عموم و فراهم شدن امکان دسترسی آسان شهروندان به اطلاعات و اخبار شده و خلاء احتمالی آن در جوامع را محسوس‌تر و افکار عمومی را به آن حساس‌تر کرده است. در واقع امروزه این حق به عنوان زیربنای مردم‌سالاری مطرح و موجب تحقق کرامت انسانی، مشارکت عمومی، عدالت اجتماعی و همچنین شفافیت در ارکان حکومت می‌گردد. لذا به هر میزان که دولت‌ها در مسیر دست یافتن شهروندان خود به اخبار و اطلاعات، محدودیت ایجاد کنند از عدالت دورتر و بیشتر در معرض فساد قرار می‌گیرند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۲). حق دسترسی به اطلاعات دستگاه‌های دولتی، علاوه بر فراهم کردن زمینه‌های مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های عمومی و نظارت بر عملکرد مقامات اداری، نقش ویژه‌ای نیز در مبارزه با فساد اداری برعهده دارد (انصاری، ۱۳۹۶، ص ۲۹). در نتیجه، در حال حاضر هیچ دولتی نمی‌تواند به‌طور رسمی حق مردم بر دسترسی به اطلاعات را انکار کرده یا ضرورت شفافیت اقدامات مقامات عمومی و پاسخگو بودن اداره در برابر افراد را به عنوان یک اصل بنیادین رد کند (حبیبی، ۱۳۸۲، ص ۶۸).

یکی از چالش‌های مهم دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی فارغ از مباحث حقوقی، در امور پژوهش به وقوع می‌پیوندد. پژوهشگران حوزه‌های مختلف به ویژه علوم انسانی نیازمند اطلاعات و داده‌هایی هستند که در پژوهش خود از آن

1. Vaccaro
2. Behn
3. Nielsen & Madsen
4. Augustine

بهره ببرند؛ اما با وجود اینکه قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب شده و باید قابلیت اجرایی داشته باشد، اما همکاری‌های لازم در این زمینه با پژوهشگران انجام نمی‌گردد، که می‌توان ناشی از عدم شفافیت در اسناد و مدارک سازمان باشد. لذا شفافیت و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی ارتباط تنگاتنگی باهم دارند. به این معنا که وجود شفافیت در اسناد و مدارک سازمان باعث می‌شود که با پژوهشگران همکاری بیشتری به عمل آید و آن‌ها بتوانند از اطلاعات سازمان (به جزء اسرار سازمانی و دولتی) در پژوهش خود استفاده مناسبی نمایند. بنابراین، در این مطالعه به بررسی رابطه شفافیت و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در امور پژوهش پرداخته می‌شود.

مفهوم آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات، اصطلاحی است که نخستین بار در ایالات متحده آمریکا به کار رفته و در مورد محتوای خود نیز تا اندازه‌ای گمراه‌کننده است. منظور از آزادی اطلاعات، آزادی دسترسی افراد و جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی است (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۲۵). آزادی اطلاعات و مؤلفه آن «حق دسترسی به اطلاعات» به معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعات که در اختیار حکومت است، که در سال‌های اخیر توجه ویژه‌ای را به خود جلب کرده است (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۳، ص ۶۴). آزادی اطلاعات از حقوق بنیادین بشر و از آزادی‌های فکری شمرده می‌شود و برخی به آن، اکسیژن مردم‌سالاری لقب داده‌اند. این آزادی از لوازم تضمین آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات و در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر مورد شناسایی و پشتیبانی قرار گرفته است (عباسی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۷).

«آزادی اطلاعات» و «حق دسترسی آزاد به اطلاعات» دو مفهوم نزدیک به هم هستند؛ به طوری که بسیاری از کشورها از عنوان اول برای عنوان‌گذاری قوانین خود استفاده کرده‌اند و برخی از عنوان دوم. نزدیکی و ارتباط تنگاتنگ این دو مفهوم باعث شده است که بسیاری از نویسندگان این دو مفهوم را یکسان بدانند و جایگزین یکدیگر استفاده کنند، اما با دقت نظر در مفاهیم و مبانی، می‌توان تفاوت‌هایی برای این دو مفهوم قائل شد. از نظر برخی، آزادی اطلاعات هر نوع اطلاعاتی را در بر می‌گیرد (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱). در حالی که از نظر برخی دیگر، آزادی اطلاعات به معنای حق دسترسی به اطلاعات موجود در دستگاه‌ها و مؤسسات عمومی (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸) و این اصطلاحی است که عنوانش با محتوایش تناسب چندانی ندارد و این تصور را برای برخی ایجاد می‌کند که گویا همه انواع اطلاعات آزاد است در حالی که موضوع قوانین آزادی اطلاعات، عمدتاً دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی است نه آزادی همه اطلاعات (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۲۳).

در مقام جمع بین این دو نظر، این‌طور برداشت می‌شود که آزادی اطلاعات اعم از حق دسترسی آزاد به اطلاعات است. در این مقام، منظور از آزادی اطلاعات این است که همه نوع اطلاعات اصولاً باید قابل دسترس، استفاده، انتشار و اشاعه باشند و از این آزادی می‌توان به آزادی اطلاع‌رسانی یا جریان آزاد اطلاعات نیز یاد کرد. جریان آزادی اطلاعات صرفاً متضمن حق دسترسی به اطلاعات نیست، بلکه افزون بر دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی جست‌وجو، حق تکثیر، انتشار و اشاعه آزادانه

اطلاعات قابل دسترس و استفاده آزاد از اطلاعات برای مقاصد مختلف اعم از تجاری و غیرتجاری را نیز شامل می‌شود (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۲۶).

هرچند قانون‌گذار در خصوص آزادی اطلاعات در امور پژوهش و پژوهشگران قانون ویژه‌ای را مصوب نکرده است، اما بنابر آنچه که بیان شد پژوهشگران در همان دسته افراد عموم جامعه قرار گرفته‌اند و می‌توانند از اطلاعات و اسناد سازمانی موردنظر در امور پژوهش خود استفاده نمایند، اما در واقع این خلاء اجرایی وجود داشته و همکاری لازم با پژوهشگران در سازمان‌ها به عمل نمی‌آید. در این زمینه می‌توان به ماده ۵ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ اشاره کرد که این ماده مؤسسات عمومی را مکلف به ارائه اطلاعات در حداقل زمان ممکن و بدون تبعیض در دسترس مردم کرده است.

حق دسترسی آزاد به اطلاعات

حق دسترسی آزاد به اطلاعات عبارت است از حق دسترسی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و آن دسته از مؤسسات خصوصی که خدمات عمومی ارائه می‌دهند. این حق، اصل قابل دسترس بودن اطلاعات مؤسسات مذکور را شناسایی می‌کند و به هریک از شهروندان اجازه می‌دهد تا تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشند که در یکی از مؤسسات مذکور نگهداری می‌شود و آن مؤسسات را ملزم می‌کند تا جزء در موارد استثنایی و احصا شده و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۲۷).

حق دسترسی آزاد به اطلاعات، معنای خاصی از آزادی اطلاعات و به بیان دیگر، محصول و نتیجه آن است و در برخی از کشورها مانند فرانسه، از آن به عنوان «آزادی دسترسی به اسناد اداری» تعبیر می‌شود. تفاوت این دو مفهوم در این است که حق آزادی اطلاعات، حقی دوسویه است؛ بدین معنا که اگر آزادی انتشاردهنده اطلاعات را تضمین می‌کند، آزادی دریافت‌کننده اطلاعات نیز مدنظر قرار گیرد و اطلاعات گیرنده نه تنها در جمع‌آوری اطلاعات آزاد است، بلکه در جست‌وجوی اطلاعات نیز آزاد است. به بیان دیگر، جمع‌آوری اطلاعات در بطن جست‌وجوی اطلاعات قرار گرفته است. آزادی اطلاعات دو عنصر را در زیرمجموعه خویش شامل می‌شود؛ نخست آزادی دریافت اطلاعات و سپس آزادی برقراری ارتباط با دیگران برای انتشار آن اطلاعات، اما حق دسترسی به اطلاعات، حقی یک‌سویه و متضمن حق شهروند در دریافت اطلاعات و در مقابل، تکلیف نهادهای عمومی به ارائه اطلاعات مورد تقاضاست (ویژه و طاهری، ۱۳۹۰، ص ۲۴۱).

این حق دارای پشتوانه تئوریک و مبانی متعددی است که کتاب‌ها و مقالات زیادی به تفصیل بدین مسئله پرداخته‌اند. از جمله این مبانی به آزادی بیان، شفافیت، حق تعیین سرنوشت و مشارکت عمومی، تعلق اطلاعات به مردم، پاسخگویی و مبارزه با فساد اشاره می‌شود. افزون بر این، یکی از جلوه‌های حکمرانی مطلوب، بحث شفافیت عملکرد و آزادی افراد در دسترسی به اسناد و اطلاعات اداری در برخوردهای روزمره شهروندان با اداره است (خسروی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۹). بر این اساس، شهروندان، چه آن‌هایی که به صورت مستقیم در ارتباط با اداره‌اند و چه آن‌هایی که به صورت غیرمستقیم از اعمال و تصمیمات

اداره تأثیر می‌پذیرند، باید به چگونگی أخذ این تصمیمات و اسناد و مدارک مرتبط با آن و همچنین، اسناد و مدارک خود که نزد اداره است، دسترسی آزادانه داشته باشند تا افزون بر مطلع بودن از نحوه عملکرد اداره، در صورت لزوم، از اداره پاسخ‌خواهی کنند و بدون مخفی نگه داشتن روند کاری اداره، اجازه مشارکت افراد و کسب اطلاع و آگاهی به آنان داده شود؛ زیرا امروزه حق دسترسی آزادانه به اطلاعات از شاخص‌های نظام‌های مردم‌سالار است (جلالی و ضیایی، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

یکی از مصادیق مهم حق دسترسی آزاد به اطلاعات که نسبت به آن بی‌توجهی شده است و از اهمیت بالایی برخوردار است، حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اسناد دولتی در امور پژوهش است. پژوهشگران برای کسب اطلاعات کافی در پژوهش خود نیازمند این هستند که یا از اسناد و مدارک سازمان استفاده کنند یا مصاحبه و پرسشنامه پژوهش را در سازمان مربوطه اجرا نمایند. با توجه به اینکه قانون دسترسی آزادانه به اطلاعات یکی از حقوق بنیادین بشر است، لذا لازم است قوانین مطروحه در سازمان‌ها اجرا گردد و با پژوهشگران برخورد مناسبی به عمل آید. در این خصوص نیاز است که توجه بیشتری به عمل آید و خلاءهای قانونی در این زمینه پر گردد.

اهمیت دسترسی آزاد به اطلاعات سازمانی

اگر قوانین سازمانی به پشتیبانی از حقوق بشر نپردازند، حق‌های بشری به راحتی دستخوش دست‌درازی مقامات سازمانی قرار می‌گیرند. اهمیت آزادی در مباحث حقوق سازمانی، ابزار بودن اداره برای اعمال قدرت دولت است. چون اداره تحت عناوین مختلفی مانند وزارتخانه، سازمان یا نهاد دولتی و... سیاست‌ها و بایدهای قدرت عمومی را اجرا می‌نماید و این کار ویژه ارتباط مستقیم با حقوق و آزادی‌های شهروندان دارد و ممکن است در حین اجرای قانون و انجام اعمال اداری آزادی شهروندان را مورد خدشه و تجاوز قرار دهد، از این رو مباحث مربوط به آزادی شهروند در اداره مهم است و این حقوق سازمانی است که تنظیم‌کننده رابطه اداره و مردم و محدوده آزادی آنان است. آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات سازمانی امروزه در دو سطح داخلی و بین‌المللی به صورت بسیار وسیعی به‌ویژه در مباحث بین‌المللی حقوق بشر و معاهدات حقوق بشری بین‌المللی پذیرفته شده است. این آزادی و حق دسترسی به اطلاعات با بهره‌مندی از سایر حق‌های بشری ارتباط تنگاتنگی دارد، حق‌هایی مانند احترام به زندگی شخصی و خصوصی افراد، حق بر دادرسی منصفانه، حقوق اجتماعی، اقتصادی و حق مشارکت در اداره امور عمومی (مک‌دونال، ۲۰۱۳، ص ۲۵).

مبانی حق دسترسی به اطلاعات

به‌طور کلی، مبانی آزاد اطلاعات تقارب نزدیکی با «شهروندمداری» دارد. مبانی متعددی را می‌توان برای حق دسترسی به اطلاعات برشمرد، از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حاکمیت مردم

به نظر برخی اندیشمندان، از منظر حقوق بشر معاصر، حتی پشتوانه اعتبار قوانین نیز، دموکراتیک بودن نظام حکومتی است. حکومت‌های غیرانتخابی از منظر حقوق بشری، واجد هیچ‌گونه مبنا و اساس مشروعیت‌بخش اخلاقی نیستند، چه اینکه بنیادی‌ترین حق انسانی، پس از حق حیات که همانا حق تعیین سرنوشت را نادیده گرفته‌اند (سیدفاطمی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۰). بنابراین، آزادی اطلاعات، منجر به نوعی پاسخگویی عمومی با هدف اثبات حاکمیت مردم می‌شود. همچنین اصولاً داوری در مورد اعمال و کارکردهای دولت و مقامات دولتی، از طریق و مجرای اطلاعاتی گذر می‌کند (مندل، ترجمه انصاری، ۱۳۸۱، ص ۳۴).

۲. پاسخگویی مقامات عمومی

دسترسی به اطلاعات موجود در دستگاه‌های حکومتی، مقدمه پاسخگویی حکومت‌ها به افکار عمومی است. پاسخگویی دوگونه است: اختیاری و اجباری. پاسخگویی اختیاری یعنی اینکه مقامات و مدیران دولتی رسماً به گزارش عملکرد خود بپردازند و اهداف، مأموریت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های خود را تشریح و تبیین نمایند. پاسخگویی اجباری یعنی اینکه مقامات و مدیران دولتی به پرسش‌هایی که از آن‌ها پرسیده می‌شود، پاسخ دهند. اهمیت این نوع پاسخگویی بیشتر است، زیرا در پاسخگویی نخست، مقامات و مدیران دولتی، معمولاً اطلاعات را ارائه می‌کنند که در تمجید عملکرد آن‌ها است؛ اما در پاسخگویی اجباری، سازمان‌ها و نهادها باید به پرسش‌هایی پاسخ دهند که در اذهان عمومی مطرح است و ممکن است مدیران سازمان‌ها به افشا و انتشار این اطلاعات تمایلی نداشته باشند (صدقی، ۱۳۹۲، ص ۱۲).

۳. اصل شفافیت

شفافیت از مبانی حق دسترسی آزاد به اطلاعات و این حق از جلوه‌های مهم و از توابع اصل شفافیت است؛ به طوری که تحقق کامل حق دسترسی آزاد به اطلاعات بدون وجود شفافیت بی‌معناست و برای دستیابی به این حق، گریزی جزء شفافیت در لایه‌های مختلف سازمانی نیست (زندیه و سالارسروری، ۱۳۹۲، ص ۱۱۹). شفافیت در سازمان، فرایندی است که با آن، اطلاعات دربارهٔ اعمال، تصمیمات و وضعیت‌های موجود، دست‌یافتنی، رؤیت‌پذیر و فهم‌پذیر می‌شود. شفافیت براساس جریان آزادانه اطلاعات شکل می‌گیرد. فرایندها، ساختارها و اطلاعات در دسترس اعضا قرار می‌گیرد و اطلاعات کافی برای درک، فهم و نظارت بر آن‌ها فراهم می‌شود. شفافیت در سازمان در صورتی حاصل می‌شود که محتوای اطلاعات ارائه شده از طرف سازمان‌ها و نهادهای دولتی به وضوح رؤیت‌پذیر باشد (بولو و اسماعیل‌زاده مگری، ۱۳۸۳، ص ۲۳). شفافیت اصطلاحی سیاسی است که شکل حقوقی به خود گرفته است. مفهوم شفافیت از لایه‌های مختلف و پیچیده‌ای تشکیل شده که دسترسی عمومی به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، یکی از لایه‌ها و عناصر آن است. در واقع، شفافیت نقطه مقابل اسرارگرایی است

(انصاری، ۱۳۹۹، ص ۳۶). در علم سیاست، شفافیت به این معناست که با اطلاعاتی که دولت در اختیار شهروندان می‌گذارد، به آن‌ها امکان دهد تا از آنچه دولت‌های انجام می‌دهند، آگاه شوند (خاکباز و خیرخواهان، ۱۳۸۳، ص ۵).

مهم‌ترین و عقلانی‌ترین دلیلی برای شفافیت آن است که مشارکت فعال شهروندان را در امور سیاسی و اجتماعی تقویت می‌کند. این مبنای شفافیت بر نظریه‌های دموکراسی مشورتی تکیه دارد که معتقدند شفافیت باید شامل طیف وسیعی از سازوکارهایی باشد که مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها از طریق دسترسی مؤثر بر روندها و برآیندهای سیاست‌گذاری و اظهارنظر در آن‌ها را ممکن می‌سازد. شفافیت اسنادی به معنای باز بودن حکومت است، زیرا بیشتر حکومت‌ها ترجیح می‌دهند که امورشان را در خفا بگذارند. بیشتر دولت‌ها به جای آنکه خود را امانتدار و نگهداری‌کننده اطلاعات بدانند، خود را مالک اطلاعات رسمی فرض می‌کنند (ورهوون^۱، ۲۰۰۰، به نقل از محسنی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۷).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان به این نتیجه رسید که شفافیت خود هدف نیست، بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای تحقق حکمرانی خوب که از این طریق مدیریت دولتی را پاسخگو نگه داشته و با نشر اطلاعات و عینی نمودن اقدامات باعث کاهش فساد در نظام خدمات عمومی می‌گردد (ناعمه، ۱۳۹۰، ص ۱۱). اصولاً آزادی اطلاعات زمانی با عنصر شفافیت پیوند بیشتری می‌خورد که از افراد و کارمندانی که به سمت شفافیت امور حرکت می‌کنند، نیز حمایت شود. به بیان بهتر، زمانی که قانون آزادی اطلاعات، نهادها را مکلف به افشای اطلاعات می‌کند، سازوکار نظارتی ایجاب می‌نماید که کارمند افشاگر تحت حمایت قرار گیرد (شعبانی، ۱۳۸۷، ص ۷۶).

۴. مبانی اجتماعی

آزادی اطلاعات پیوند قوی با برخورداری از حق سلامت، حق محیط‌زیست سالم، حق آموزش و پرورش، حق کار و حق برابری دارد. معمولاً از اطلاعات به قدرت یابد می‌شود. هر فردی که اطلاعات داشته باشد قدرتمند و برعکس هر فردی که اطلاعات نداشته باشد ضعیف خواهد بود. آزادی اطلاعات درصدد است که به افراد جامعه چنان قدرت و توانی اعطا کند که هم خوب بشناسد (قدرت شناخت)، هم خوب تحلیل و بررسی کند (قدرت قضاوت) و هم خوب از حقوق و امتیازات خود دفاع و حمایت کنند (قدرت دفاع). از این رو، آزادی اطلاعات از پیش‌شرط‌های تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (انصاری، ۱۳۹۹، ص ۴۰).

حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و اسناد دولتی در امور پژوهش

یکی از جلوه‌های مهم آزادی در حقوق اداری و سازمانی، آزادی دسترسی به اطلاعات و اسناد است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه ۱/۵۹ مصوب ۱۹۴۶ بیان کرده است: «آزادی اطلاعات حق بنیادین بشری است و سنگ بنای تمامی آزادی‌هاست که سازمان ملل متحد خود را نسبت به آن متعهد می‌داند». بر این اساس آن شهروندان چه آن‌هایی که به صورت

1. Verhoeven

مستقیم در ارتباط با سازمان‌اند و چه آن‌هایی که به صورت غیرمستقیم از اعمال و تصمیمات اداره تأثیر می‌پذیرند، باید به چگونگی اخذ تصمیمات و اسناد و مدارک مرتبط با آن و همچنین اسناد و مدارک خود نزد سازمان دسترسی آزادانه داشته باشند (جلالی و ضیایی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸).

ماده ۲ قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مقرر داشته است که «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آن که قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات عمومی یا انتشار آن‌ها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود». طبق این ماده می‌توان گفت که قانون‌گذار به اطلاعات عمومی سازمان‌ها اشاره کرده است و پژوهشگران می‌توانند فقط به این اطلاعات دسترسی داشته باشند و در ماده ۱۳ همین قانون بیان کرده است: «در صورتی که درخواست متقاضی به اسناد و اطلاعات طبقه‌بندی شده (اسرار دولتی) مربوط باشد مؤسسات عمومی باید از در اختیار قرار دادن آن‌ها امتناع کنند. دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی شده تابع قوانین و مقررات خاص خود خواهد بود». با توجه به مواد بیان شده باید اذعان نمود که پژوهشگران در امور پژوهش خود نیازی به اطلاعات و اسرار محرمانه یا دولتی ندارند و پژوهش خود را در همان حیطه اطلاعات عمومی انجام می‌دهند. با وجود اینکه ماده ۲ این قانون اطلاعات عمومی را آزاد گذاشته است، اما پژوهشگران در این زمینه نیز به در بسته می‌خورند و نتایج مطلوبی را از سازمان نمی‌گیرند که یکی از دلایل آن این است که اطلاعات و داده‌های سازمان از شفافیت کافی برخوردار نیست و از بروز این اطلاعات که ممکن است بعداً برای آن‌ها مشکل‌ساز گردد، امتناع می‌کنند.

حق دسترسی آزادانه پژوهشگران به اطلاعات و شفافیت سازمانی

توجه به امر پژوهش در هر سازمانی می‌تواند شفافیت سازمانی را افزایش دهد و در مقابل فساد اداری را کاهش دهد. از طریق پژوهش می‌توان چالش‌ها و آسیب‌های سازمان را شناسایی کرد و با ارائه راهکار مناسب این چالش‌ها را مرتفع ساخت. در همین راستا یکی از چالش‌هایی که پژوهشگران با آن روبرو هستند، عدم همکاری سازمان‌های دولتی و حتی غیردولتی است و حق دسترسی آزادانه اطلاعات که یک حق بنیادی بشری است در این مسیر نقض می‌گردد. در واقع اطلاعات و داده‌ها الزام یک پژوهش می‌باشد که بدون آن یا بدون اطلاعات مؤثق و کافی، پژوهش از اعتبار مطلوبی برخوردار نخواهد بود. پژوهشگران نیازمند اطلاعات لازم و کافی هستند تا بتوانند پژوهش‌های خود را به پایان برسانند و خروجی این پژوهش‌ها منجر به بهبود وضعیت سازمان مربوطه گردد و پژوهشگران آتی بتوانند از این اطلاعات واقعی بهره لازم را ببرند. از این رو یکی از عوامل مرتبط با نقض حق دسترسی آزادانه پژوهشگران به اطلاعات می‌تواند عدم شفافیت اطلاعات و عدم ابراز آن به پژوهشگران باشد. شفافیت سازمانی یک اصل مهم و کلیدی است که خود زیرمجموعه دسترسی آزاد به اطلاعات است، که فقدان آن می‌تواند پژوهشگران را گمراه نماید. از سوی دیگر قوانین مطروحه در سازمان‌ها به درستی اجرا نمی‌گردد و همکاری مطلوبی با پژوهشگران به عمل نمی‌آید. اگر مدیران و کارکنان سازمان بر این باور باشند که وجود پژوهش در سازمان خود می‌تواند چالش‌ها و خلاءهای سازمانی را مرتفع می‌نماید، نگاه خود تغییر داده و توجه بیشتری به قوانین مصوب شده حق دسترسی به اطلاعات می‌کنند. پژوهشگران نیاز به اسرار دولتی ندارند و اخلاق پژوهشی حکم می‌کند که بدون هماهنگی با مدیران سازمان

و افراد ذی صلاح خلاف مقررات عمل ننمایند. بنابراین، حق دسترسی آزاد به اطلاعات به پژوهشگران ناشی از شفافیت بالای سازمانی می‌تواند باشد و عدم ارائه اطلاعات به آن‌ها می‌تواند شفافیت سازمانی را نقض نماید.

نتیجه‌گیری

حق یا حقوق به معنای هر آن چیزی است که قانون‌گذار براساس شرایط جامعه و سیاست حکومت‌ها تدوین و مصوب می‌نماید و تمام دستگاه‌های اجرایی را ملزم به اجرای آن می‌کند. یکی از حقوق اساسی و بنیادی بشر که هم از جنبه ملی و هم بین‌المللی به آن تأکید شده است، حق دسترسی آزادانه به اطلاعات است. این حق در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... کاربرد دارد. یکی از کاربردهای آن که توسط قانون‌گذار مورد غفلت واقع شده است، حق دسترسی آزاد به اطلاعات در عرصه پژوهش است. در عرصه پژوهش و حمایت از پژوهشگران جهت دسترسی به اطلاعات و اسناد دولتی قانون ویژه‌ای مصوب نشده است که این حاکی از خلاءهای قانونی در این زمینه می‌باشد. هرچند به صورت کلی در قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶ پژوهشگران را در گروه عام قرار داده است و در ماده ۵ این قانون مؤسسات عمومی را مکلف به ارائه اطلاعات در حداقل زمان ممکن به مردم کرده است، اما باید اذعان نمود که پژوهش یک امر تخصصی است و پژوهشگران نمی‌توانند در گروه عام جامعه قرار گیرند و لذا نیاز است قانونی مجزا در این زمینه تدوین و مصوب شود. در همین قانون اشاره به امتناع از اسرار دولتی شده است که در این خصوص نیز باید گفت که پژوهشگران نیاز به اسرار دولتی نمی‌باشند و همان اسناد و اطلاعات عمومی می‌تواند برای آن‌ها در حد کفایت باشد. پژوهشگران جهت انجام مصاحبه با کارکنان و مدیران سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های دولتی نیازمند اطلاعات صحیح و واقعی هستند تا بتوانند از نتایج مصاحبه‌ها در امور پژوهش خود استفاده درستی را ببرند، اما واقعیت این است که مسئله شفافیت در انجام مصاحبه‌ها و پاسخ به پرسشنامه‌ها نقض می‌شود و

همکاری‌های لازم در این زمینه به عمل نمی‌آید و در نتیجه نمی‌توان انتظار مطلوبی را از نتایج پژوهش داشت. از سوی دیگر زمانی که پژوهشگر نیازمند بررسی اسناد عمومی دولتی هستند، موقع رجوع به سازمان‌ها پاسخی سربالا یا امتناع از ارائه این اسناد را می‌شنوند که اولاً این خود حاکی از عدم شفافیت در اسناد سازمان‌ها می‌باشد و دوم اینکه حق دسترسی آزادانه به اطلاعات نقض می‌گردد. در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که عدم شفافیت در اسناد و اطلاعات سازمان‌های دولتی مانعی بر ارائه اطلاعات و اسناد دولتی می‌باشد که در صورت وجود شفافیت و اسناد واقعی در سازمان می‌توان انتظار همکاری بیشتری را در این زمینه داشت و حق دسترسی آزادانه پژوهشگران به اطلاعات محقق گردد.

راهکارهای پیشنهادی

۱. مهم‌ترین پیشنهاد در راستای نتایج این پژوهش تدوین و مصوب کردن قانونی ویژه جهت حمایت از پژوهشگران در راستای کسب اطلاعات و بررسی اسناد دولتی در سازمان‌ها می‌باشد.
۲. پیشنهاد می‌گردد که سازمان بازرسی هر شهر یا استانی نسبت به عملکرد سازمان‌ها و نحوه همکاری آن‌ها با پژوهشگران نظارت مطلوبی را به عمل آورند.

منابع

- انصاری، ب. (۱۳۹۹). حق دسترسی به اطلاعات: آزادی اطلاعات، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- انصاری، ب. (۱۳۸۶). مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات، فصلنامه نامه مفید، ۱۶(۶۱): ۱۵۸-۱۳۷.
- انصاری، ب. (۱۳۹۶). حقوق ارتباط جمعی، تهران، سمت، چاپ نهم.
- بولو، ق، اسماعیل‌زاده مقری، ع. (۱۳۸۳). نقش پاسخ‌گویی، شفافیت و درستکاری در مبارزه با فساد، فصلنامه حسابدار، ۱۸(۱۵۹): ۲۸-۲۱.
- جلالی، م، ضیایی، ر. (۱۳۹۲). نقش آمبودزمان‌ها در توسعه و ارتقا مردم‌سالاری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۱۵(۳۹): ۱۶۶-۱۲۹.
- خسروی، ح، رامین‌نیا، م، حسینی، م.ج. (۱۴۰۰). آزادی دسترسی به اسناد و اطلاعات در حقوق اداری ایران و اتحادیه اروپا، ماهنامه حقوق اداری، ۷(۲۷): ۹۷-۷۷.
- خاکباز، ا، خیرخواهان، ج. (۱۳۸۳). سیاست شفافیت: آیا دست نامرئی بازار، نیاز به دست‌کش شفاف دارد؟ (گزارش کارشناسی)، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- حسینی، ع، شمس، ع. (۱۳۹۱). راهکارهای مبارزه با فساد اداری براساس ارزش‌های اسلامی، مجله اسلام و پژوهش‌های مدیریت، ۵: ۱۰۴-۸۱.
- حبیبی، م.ح. (۱۳۸۲). بررسی حق آگاهی مردم به عنوان یک حق اساسی، فصلنامه حقوق اساسی، (۱): ۹۶-۶۵.
- زندیه، ح، سالارسوری، ح. (۱۳۹۲). شفافیت اسنادی و حق دسترسی آزاد به اطلاعات، فصلنامه گنجینه اسناد، ۲۳(۸۹): ۱۳۴-۱۱۶.
- سیدفاطمی، م. (۱۳۹۷). حقوق بشر در جهان معاصر: درآمدی بر مباحث نظری: مفاهیم، مبانی، قلمرو و منابع، تهران، انتشارات پژوهشکده حقوق شهر دانش، چاپ چهارم.
- شعبانی، م. (۱۳۸۷). بررسی نحوه تعامل با افشای فساد در حقوق اداری، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوق، ۱۳: ۹۰-۷۳.
- صدقی، ع. (۱۳۹۲). ارزیابی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در ایران در پرتو اصول آزادی اطلاعات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فیض‌آبادی، ح، علانی، س. (۱۳۹۷). تأثیر شفافیت سازمانی بر فساد اداری با تأثیرات متقابل اعتماد سازمانی در مراکز درمانی شهرداری تهران، مجله مدیریت بهداشت و درمان، ۹(۳): ۵۳-۴۷.
- مندل، ت. (۱۳۸۱). حق مردم بر دانستن، ترجمه باقر انصاری، ماهنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، (۱۱): ۳۹-۳۴.
- محسنی، وج، هاشمی، س.م، جاوید، م.ج، عباسی، ب. (۱۳۹۸). تحلیل حقوقی نسبت‌سنجی حق دسترسی عموم به اطلاعات با تحقق حقوق شهروندی با تأکید بر نظام حقوقی ایران، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۲): ۳۵۴-۳۲۱.
- نمک‌دوست تهرانی، ح. (۱۳۸۳). آزادی اطلاعات و حق دسترسی، بنیان دموکراسی، مجلس و راهبرد، ۴۲: ۱۰۸-۶۳.
- ناعمه، ح. (۱۳۹۰). شفافیت و مبارزه با فساد در انعقاد قراردادهای اداری ایران، نشریه مجلات تحقیقات حقوقی، ۴۰: ۳۶-۹.
- ویژه، م.ر، طاهری، آ. (۱۳۹۰). تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۹(۳۵): ۲۶۸-۲۳۷.
- Augustine, D. (2012). Good practice in corporate governance: Transparency, trust and performance in the microfinance industry. *Business & Society*, 51(4): 659-676.
- Behn, B, DeVries, D, LinJing, K. (2010). The determinants of transparency in nonprofit organizations: An exploratory study 2010. *Advances in Accounting incorporating Advances in International Accounting*, (26): 6-12.
- Mcdonagh, M. (2013). The right to information in international human rights Law, *Human Rights Law Review*, 13(1): 25-55.
- Nielsen, C, Madsen, M.T. (2009). Discourses of transparency in the intellectual capital reporting debate: Moving from generic reporting models to management defined information. *Critical Perspectives on Accounting*, 22(7): 847-854.
- Vaccaro, A. (2010). Corporate transparency and green management. *Journal of Business Ethics*, (95): 487-506.